

آیه‌ای برای اهل ایران

به کوشش: محمد بهمنی

یک قول و قرار

خدا در قرآن وعده داده که اگر مردمی حقیقتاً به خدا ایمان داشته باشند و بر اساس ایمان‌شان اعمال صالح و شایسته انجام دهند، خداوند در همین دنیا به آن‌ها عزت عطا می‌کند. به تعبیر خود قرآن، دینی را که خدا برای آن‌ها پسندیده به آن‌ها می‌بخشد و استقرار می‌دهد: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» بعد از سال‌ها و شاید قرن‌ها خوف و هراس و نا امنی، خداوند به آن جامعه امنیت و آرامش عطا می‌کند.

الوعده وفا!

ما بر این باوریم که بحمدالله یکی از بهترین مصادیق این وعده الهی که در طول تاریخ انسانیت کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر باشد. در زمان ما و در سرزمین ما پیدا شده و آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام عزیزمان و به یاری یاران دلباخته و مخلص و خدایاور و موحد اوست. وعده صادقی که دنیا را شگفت‌زده کرد و قدرت‌های بزرگ را متحیر ساخت.

اما یک سؤال!

اما یک سؤال: این پدیده عظیمی که همه عالم، از دوست و دشمن به

عظمت آن اعتراف دارند و دولت‌مردان و سیاستمداران، جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مختلف در علوم انسانی همه در مقابل عظمت این انقلاب سر تعظیم فرود آورده‌اند و متخصصان، صاحب‌نظران و کسانی که توانایی پیش‌بینی حوادث اجتماعی را داشتند، حتی احتمال آن را نمی‌دادند اما بر خلاف همه پیش‌بینی‌ها این انقلاب درخشید، راز این عزت و عظمت در چیست؟

راز یک راز

عظمت این انقلاب در تعداد شهدای آن، یا آثار اجتماعی و سیاسی و یا تبعات بین‌المللی آن نیست. این که دست آمریکا را از یک کشور کوتاه کرد یا یک شاه را پس از نیم قرن حکومت بر کنار نمود یا... این‌ها راز عظمت ما نیست چرا که در کشورهای دیگری نیز چنین اتفاقاتی رخ داده است. آنچه نشان عظمت ماست این است که پس از هزاران سال تلاش‌های انبیاء و اولیای خدا و بعد از چهارده قرن، در این نقطه از زمین که به نام اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مفتخر است، به دست شخصی از تبار اهل‌بیت (علیهم‌السلام) چنین حکومتی برقرار شد. هزاران سال انبیاء و اولیا زحمت کشیدند

و مردم را هدایت کردند، دین خدا را ترویج کردند، خون دادند، تبعید شدند، در چاه زندانی شدند، بعضی را با ازه سر بریدند. اولیاء خدا با فجیع‌ترین وضع به شهادت رسیدند که بارزترین نمونه این فداکاری داستان کربلاست. همه این زحمات و رنج‌ها برای این بود که بر روی زمین حکومتی الهی برقرار کنند و جامعه‌ای با قانون خدا اداره شود.

شکر نعمت

زمانی که خدای متعال حضرت داود را بر جالوت مسلط کرد و به دنبال آن فرزندش سلیمان توانست آن حکومت الهی را در سرزمین فلسطین برقرار کند، خداوند فرمود: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»^۱ یعنی حال که این نعمت را به شما دادم و توانستید حکومت الهی را برقرار کنید و پیامبر زمان، در رأس حکومت قرار گرفت، وظیفه دارید که در مقابل این نعمت عظیم به شکر خدا بپردازید. «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا» یعنی ای خاندان داود اعمال خود را بر اساس شکر خدا تنظیم کنید. یعنی شما در مقابل این نعمت وظیفه بزرگی دارید. حفظ این نعمت، قدردانی از آن، و انجام وظایفی که از لوازم این نعمت است، باید به

عنوان شکر خدا انجام گیرد. در غیر این صورت اگر شکر این نعمت را به جا نیاورید، قانون کلی الهی که بر تمام پدیده‌های زندگی انسانی حاکم است، بپیر این‌جا هم حاکم خواهد شد. «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». این حرف تعارف نیست که باید خدا را شکر کنیم. بلکه توجه دادن به سنت تخلف ناپذیر الهی است که اگر مردمی قدر نعمت خدا را ندانستند و شکر آن را به جا نیاوردند مستوجب عذاب خواهند شد: «وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». اگر کفران نعمت کنید مستوجب عذاب خواهید شد.

آیه‌ای برای اهل ایران

خداوند به آل داود می‌فرماید: «ای آل داوود، از روی شکرگزاری رفتار کنید» فرض کنید در زمان ما هم پیامبری وجود داشت و بنا بود که بعد از انقلاب اسلامی ایران آیه‌ای نازل شود، آیا نمی‌فرمود: «اعْمَلُوا آلَ إِيرَانَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» یعنی ای اهل ایران اکنون که به شما عزت و مکتد دادیم، شاکرانه و سپاس‌گزارانه رفتار کنید.

۱. سبأ، ۱۳.

۲. برداشتی از سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی، پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۱۳۸۱/۳/۳۱.

